**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی و نهم\_2 دی 1398**

چنان که مشاهد فرمودید در مقدمه سوم انسداد بحث در این بود که نباید بر فرض انسداد باب علم و علمی به سوی احتیاط رفت و نباید به صورت کلی بگوییم، هر مساله ایی اصل هر مساله.و نباید هم بگوییم تقلید صورت گیرد. تقلید خیلی بحث ندارد.

بحث را منحصر کردیم در بخش احتیاط. چون شیخ قدس الله نفسه بحث نفی حرج را مطرح کرد، بهتر ان دیدیم که یک نگاهی اجمالی به قاعده نفی حرج بکنیم و بعد بیاییم سراغ اصل بحث. حال میخواهیم با انچه اموختیم بیاییم سراغ اصل بحث

ادعا این بود که اگر بگوییم در همه موارد و در معظم فقه احتیاطی شویم این عسرو حرج است. شیخ فرمود وقتی ما دارای موهومات را جدا کردیم، گفتیم در موهومات احتیاط لازم نیست، باقی می ماند، مظنونات و مشکوکات و احتیاط در این ها عسر وحرج اور نیست. یعنی شیخ اعظم در احتیاط تبعیض قائل شده است. حال ما چه باید بگوییم؟ عرض ما با توجه به این توجیحی که از اصل نفی حرج دادیم این است:

1. اینکه فی حد نفسه احتیاط امر خوبی است هم عقلا قابل قبول است و هم روایات بر ان دلالت دارد کسی منکر حسن احتیاط فی الجمله نیست ولی کجا؟ تا چه حد؟ اگر منجر به حرج شد، دیگر آن احتیاط حسنی ندارد با توجه به ان روح شریعت که گفتیم شریعت سمحه سهله است و فقط هم بما جعل علیکم فی الدین من حرج متمسک نمی شود.
2. درست است علم اجمالی منجز است بر خلاف نظر منسوب به علامه مجلسی اما این تنجیز باز هم تا جایی که به عسر و حرج نیافتد به دلیل همان روح شریعت که تمام این ها را تقیید و تخصیص می زند.
3. باید فرق گذاشت بین جایی که در این نداشتن سرمایه ها خود ما مقصر باشیم و جایی که خود ما هیچ تقصیری نداریم. فرض کنیم مولایی برای عبدش دستوراتی نوشته است و این عبد با تعلل این کاغذ را گم می کند، حال در راه می گوید مولا به من گفت نان بخر یا گوشت؟ من تعلل کردم این جا عقلا می گویند مقصری و ضامن یا بپرس یا هر دو را بخر ولی جایی که پاره شده این کاغذ، درش این عبد مقصر نیست و دسترسی به مولا هم ندارد باز هم میگویید احتیاط لازم است ؟ تا چه رسد به انجا که احتیاط بخواهد به عسر وحرج بیافتد. پس فرق بگذارید بین انجا که شواهد و قرائن ما از دست رفته است خود ما باعث شدیم و بین انجایی که بنده در اینگونه امور مقصر نیستم و گذر زمان اینگونه بوده است و تعلل هم اگر بوده است من تقصیری ندشتم، گذشتگان تقطیع کرده اند به من مربوط نیست. ایا اینجا هم می گویید باید احتیاط کرد؟
4. بالخصوص اگر به روایات ما غلب الله علیه فالله اولی بالعذر نگاه کنید، به این نتیجه می رسید که ان چه که ورای دست من است، شده است که این طور من مقصر نبودم، من معذور هستم، فالله اولی بالعذر، آِیا فالله اولی بالعذر با این می سازد که بگویم در معظم فقه احتیاط کرد؟
5. اساسا سخن از احتیاط وقتی قابل طرح است که راه علم و اطمینان بسته باشد. راه دیگری برای شکستن بنبست نباشد، وقتی ما پیش از امتثال احتیاطی راهی پیدا خواهیم کرد اصلا نوبت به امتثال احتیاطی نمی رسد.

فتحصل من جمیع ما ذکرناه:

اولا؛ خواهیم گفت شکستن بنبست راه های دیگری پیش از احتیاط دارد، که اصلا نوبت به طرح بحث احتیاط نرسد،

ثانیا؛ اگر هم نوبت به احتیاط برسد، احتیاط جایی است که عسر و حرج لازم نیاید. بر طبق ان قاعده ایی که گفتیم روح شریعت، ثالثا اگر هم بناست احتیاطی صورت بگیرد باید انجایی باشد که من خودم در از بین رفتن ادله و شواهد مقصر باشم، اینجا که من مقصر نیستم، گذشته ها در گذر زمان این طور شده است.

فتحصل من جمیع ما ذکرناه که بنسبت شکنی با احتیاط قابل قبول نیست.

حال چه باید کرد؟ در انچه باید کرد خواهیم گفت راه انسداد با راه اضطرار از هم جدا می­شد و در راه اضطرار هم بین مسلک شیخ با انچه ما خواهیم گفت تفاوت­هایی است، آن هم فرقش در همین بحث احتیاط است.

مقدمه چهارم این است که حال که نمی شود احکام شریعت را مهمل گذاشت که این بالضرروه باطل است و حال نمی شود که در هر مساله مساله بگوییم احتیاط کن، بگوییم به اصل هر مساله مراجعه کن، پس چه باید کرد؟

تعین بحکم العقل التعرض لامتثالها علی وجه الظن بالواقع فیها، یعنی باید سراغ مظنونات رفت، حال که همه راه ها بسته شد، راه ظنی است. توضیح مطلب این است که امتثال چهار مرحله دارد. که با وجود هر یک نوبت به دیگری نمی رسد.

1. امتثال علمی تفصیلی؛ هر دو قید احترازی است، علمی است یعنی ظنی نیست، تفصیلی است یعنی اجمالی نیست. تا این هست، نوبت به موارد دیگر نمی رسد.

و فی معناه، ملحق به امتثال علمی تفصیلی می شود انجا که علم نداری ظن خاص داری. ظن است ولی شارع ان ظن را حجت قرار داده است. این هم ملحق است به امتثال علمی تفصیلی

1. امتثال علمی اجمالی و هو یحصل بالاحتیاط. اگر من نمی دانم نماز ظهر بر ما لازم است یا جمعه، هر دو را بخوانم امتثال علمی شده است منتها اجمالا. تا امتثال علمی تفصیلی هست نوبت به امتثال علمی اجمالی نمیرسد.
2. امتثال ظنی و هو ان یاتی بما یظن انه المکلف به، نه این که بین دو چیز من مردد باشم و هر دو چیز را بیاورم، 80 درصد احتمال می دهم جواب سلام واجب است.
3. امتثال احتمالی کالتعبد باحد طرفی المساله من الوجوب و التحریم

من احتمال می دهم نماز جمعه واجب است یا حرام. یکی را متعبد می شوم این می شود امتثال احتمالی.

شیخ اعظم می فرماید این مراتب مترتبه است و لا یجوز بحکم العقل العدول عن سابقتها الی لاحقتها.

پله به پله باید شروع کنید مگر این که ان راه حل قبلی بسته باشد و خیال نکن غیر از این ها که گفتم راه حل های دیگری همچون قرعه دارد. یا مثل تقلید. این ها راه حل نیست. راه حل این چهار به ترتیب است.

حال که امتثال علمی تفصیلی نیست. حال که نه علم داریم و نه علمی تا امتثال تفصیلی داشته باشیم، حال که گفتیم امتثال احتیاطی عسر و حرج اور است، نه نوبت به امتثال احتمالی می رسد، نه نوبت به قرعه و تقلید و اصل عملی در هر مساله. تنها چیزی که باقی می ماند سومی است که این همان نظر میرزای قمی است. این که میرزای قمی و من تبعه می گویند ظنون مطلق است و ظن مطلق حجت است این یعنی معنایش این است که اگر دلیل خاص بر حجیت یک ظنی داشتید که هیچ و الا اگر دلیلی بر حجیت ظن خاص ندارید نوبت می رسد به ظنون

ما میخواهیم با اجازه شیخ قبل از احتیاط کاری را بکنیم. طبق بیان امروز اصلا نوبت به طرح احتیاط نمی رسد بله با شیخ هم عقیده اییم که اگر مشی شیخ را داشته باشیم چون احتیاط حرجی است نوبت به احتیاط نمی رسد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.